# 687-941029‌‌‌

**‌‌‌‌‌‌سه‌شنبه – جلسۀ 61**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث در این اشکال بود به روایت علی بن ابی حمزة بطائنی که مرحوم آقای خوئی فرمودند این روایت مضمونی دارد که هیچ کس ملتزم نشده است و آن این است که فرموده است که علی الصرورة ان یحلق انما التقصیر علی من حج حجة الاسلام. تفسیر کرده صروره را به کسی که حجة الاسلام بجا نیاورده در مقابل غیر الصرورة که کسی است که حجة ‌الاسلام بجا آورده. و این خلاف قول لغویین و فقهاء هست.

ما عرض کردیم اما قول فقهاء که برخی از کلمات‌شان ابهام دارد ولی شیخ مفید در احکام النساء، شیخ صدوق در مقنع، شیخ طوسی در کتبش ظاهرشان این است که صروره در مقابل من حج حجة الاسلام [است].

شیخ مفید در کتاب احکام النساء می‌گوید الصرورة من الرجال هو الذی ابتدأ بالحج لم‌یکن سلف له حج من قبل؛ یجب علیه حلق رأسه. و من حج حجة الاسلام ثم عاد بعد ذلک الی الحج فلیس بصرورة.

مرحوم صدوق هم در مقنع در مقابل من حج حجة الاسلام گذاشت صروره را.

شیخ طوسی هم که قبلا مطالبش را نقل کردیم. مکرر در نهایه، در مبسوط، در استبصار، تکرار می‌کند همین مطلب را. در استبصار دو حدیث ذکر می‌کند؛ می‌گوید ینبغی ان نخصّهما بامراة کانت حجّت حجة الاسلام. راجع به زنی است که نائب می‌شود از زن دیگر در حج که فرمود مانعی ندارد. مرحوم شیخ طوسی فرمود این مختص به زنی است که قبلا حجة الاسلام بجا آورد. او می‌تواند نائب بشود. لانها لو کانت صروره لم‌یجز لها ان تحج عن الرجل. آن دو روایت مضمون‌شان این است لاباس للمراة ان تحج للرجل. ایشان می‌فرماید این در مورد مرأة‌ای است که لیست بصروره. بعد توضیح می‌دهد می‌گوید مرأة‌ای که حَجَّت حجة ‌الاسلام. اگر صرورة باشد اگر کسی باشد لم‌تحج حجة الاسلام جائز نیست نائب از مرد بشود در حج.

پس خلاف کلمات فقهاء نیست این مضمون روایت علی بن ابی حمزه. و خلاف روایات هم نیست. ما روایاتی مطرح کردیم که مفادش این هست که صرورة کسی است که لم‌تحج حجة‌الاسلام.

اما یک نکته‌ای عرض کنم از روایات استفاده می‌شود و همین‌طور از کلمات فقهاء من لم‌تحج حجة الاسلام صرورة است چه مستطیع باشد چه نباشد. صرورة کسی است که حجة الاسلام بجا نیاورده است و لو مستطیع نیست، حج نرفت، چون مستطیع نبود. به این هم صرورة می‌گویند. صرورة منحصر نیست به کسی که حجة الاسلام بر او واجب شده باشد ولی هنوز بجا نیاورده یا کامل نکرده. نخیر؛ صرورة کسی است که حجة الاسلام بجا نیاورد چه واجب شده بر او با استطاعت چه واجب نشده. در صحیحه سعد بن ابی خلف و صحیحه سعید بن عبدالله اعرج می‌گوید: الصرورة یحج عن المیت؟ قال نعم اذا لم‌یجد الصرورة ما یحج به عن نفسه. صرورة می‌تواند نائب بشود از میت در حج به شرط این‌که مستطیع نباشد. صحیحه معاویة بن عمار هم تعبیر کرده: یحج عن صرورة لا مال له. و همین‌طور صحیحه حلبی می‌گوید یحج عنه من ماله صرورة لامال له. پس می‌شود صرورة من لم‌یحج حجة الاسلام سواء له مال و استطاعة ام لا.

[سؤال: ... جواب: در برخی از این روایات قرینه بود که مثلا زن اگر صرورة هست بدون اذن شوهرش می‌تواند حج برود قرینه داریم یعنی صرورةای است که صارت مستطیعة. ... ظهورش این است. اگر این زن قبلا حجة الاسلام بجا نیاورده است... چون فرض این است که می‌خواهد حج برود پس عادة پول حج را هم دارد.

س: پس صرورة می‌شود من لم‌یحج حجه الاسلام؛ نه من لم‌یحج. ... آقای خوئی فرمود صرورة در مقابل من حج قبل ذلک و لذا اگر شما حج اول‌تان را به نیابت از یک شخصی رفتید چون مستطیع نبودید آقای خوئی می‌گوید دیگه شما صرورة نیستید. سال بعد که برای خودتان حج بجا می‌آورید شما حج صرورة بجا نمی‌آورید؛ چون سال اول حج بجا آوردید و لو حج نیابی. اما حرف ما این است که نه؛ بعد از این حج نیابی هم باز شما صرورة هستید؛ چون لم‌تحج حجة الاسلام. ... چندین روایت بود؛ صرورة لامال له.

س: ظاهر لایاذن لها فی الحج یعنی مشکلی برای حج ندارد غیر از اذن زوج یعنی استطاعت دارد. ظاهرش این است. و لذا گفت ان کان علیها حجة الاسلام یعنی اگر قبلا حجة الاسلام بجا نیاورده اذن زوج معتبر نیست.

این روایاتی که بطور مطلق می‌گفت صرورة در مقابل من حج هست، روایت می‌گفت: ان کان صرورة فعل کذا و ان کان قد حج قبل ذلک فعل کذا، روایات متعددی بود. صحیحه عبدالرحمن بن الحجاج بود: مر من کان منهن صرورة ان تهلّ بالحج فاما اللواتی قد حججن فان شئن ففی خمس من العشر و ان شئن فیوم الترویة. یا صحیحه صفوان: ان کنت صرورة فاذا مضی من ذی الحجه یوم و ان کنت حججت قبل ذلک فاذا مضی من الشهر خمس. یا صحیحه معاویة بن عمار در همین بحث حلق: ینبغی للصرورة ان یحلق و ان کان قد حج فان شاء قصر و ان شاء حلق. یا روایت عمار: ان کان قد حج قبلها فلیجز شعره و ان کان لم‌یحج فلابد له من الحلق که صرورة را در مقابل من حج قبل ذلک قرار گرفتند. به نظر ما جمع عرفی این است که بگوییم این من حج قبل ذلک از باب این است که غالبا حج اول حجة الاسلام مکلف است. این مقتضای جمع عرفی بین این روایات هست.

و اگر هم شک بکنیم -دقت کنید- بگوییم ما که نفهمیدیم؛ آقایان هم که ایراد می‌گیرند شاید همین را می‌خواهند بگویند؛ یک دسته از روایات ظاهرش این است که صرورة من لم‌یحج حجة الاسلام است که در جلسه قبل خواندیم. برخی از این‌ها هم قرینه داشت که واجب شده است بر او حج و قبلا حجة الاسلام بجا نیاورده. بعضی‌هایش هم می‌گفت قبلا حجة الاسلام بجا نیاورده حالا الان مستطیع شده یا نشده کاری به او نداریم. صرورة لا مال له؛ اصلا فرض می‌کرد صرورة ممکن است مستطیع نباشد. شما می‌گویید یک دسته از روایات این‌طور می‌گوید. یک دسته از روایات صرورة را در مقابل من حج قبل ذلک گرفته. کلمات لغویین هم ممکن است شما بگویید که آن هم که می‌گفت صرورة کسی است که من لم‌یحج نگفت من لم‌یحج حجه الاسلام. حالا برخی از کلمات فقهاء بود صرورة را در مقابل من حج حجة الاسلام می‌گرفت. ما متحیر می‌شویم می‌گوییم بسیار خوب متحیر می‌شوید دیگر اشکال نکنید به روایت علی بن ابی حمزه؛ چون احتمال صدق می‌دهید در این روایت. علی الصرورة ان یحلق انما التقصیر علی من حج حجة الاسلام، این‌که دیگه اجمال ندارد. شما تا حالا می‌گفتید مضمونش قطعی البطلان است ما حداقل اثبات کردیم و لو با تکافؤ ادله که مضمونش قطعی البطلان نیست و صرورة در این روایت هم در مقابل من حج حجة الاسلام گذاشته شده؛ حالا معنای عرفی صرورة هر چی می‌خواهد باشد؛ در این روایت قرینه داریم به قرینه تقابل که در مقابل انما التقصیر علی من حج حجة الاسلام گذاشته شده. چرا عمل نکنیم به این روایت؟ یک وقت در سند ایراد می‌گیرید بگویید ما سند را قبول نداریم و السلام. یک وقت می‌خواهید بگویید متنش قطعی البطلان است، چرا قطعی البطلان است؟ نخیر؛ هیچ قطعی البطلان هم نیست.

 کسانی که حج اولی هستند ولی مستطیع نیستند اطلاق صحیحه معاویة بن عمار می‌گوید مخیرند بین حلق و تقصیر. کدام صحیحه؟ در صحیحه معاویة بن عمار می‌گوید: ان احرمت فعقصت شعر رأسک او لبدته فقد وجب علیک الحلق و ان انت لم‌تفعل (یعنی لم‌تلبد و لم‌تعقص) فمخیر لک التقصیر و الحق شامل حج سال اول می‌شود. روایت علی بن ابی حمزة آمد گفت که کسی که صرورة است باید حلق کند اما کسی که حجة الاسلام بجا آورده قبلا الان می‌رود حج، او دیگه لازم نیست حلق کند. مضمونش همان می‌شود که شیخ طوسی در احکام النساء و مقنعه فتوی داد. شیخ صدوق در مقنع فتوی داد. شیخ طوسی در کتبش فتوی داد. و مقتضای صناعت این است که ما هم به همین نظر برسیم.

[سؤال: ... جواب: تعارضی ندارد؛ چون بقیه روایات اولا سندا یا دلالة اشکال داشت که می‌گفت حج اول.‌ صحیحه معاویة بن عمار: ینبغی للصرورة ان یحلق و ان کان قد حج فان شاء قصر دلالتش ایراد داشت ظهور در وجوب نداشت. روایت عمار سندا ایراد داشت که می‌گفت لم‌یحج قبله فعلیه الحلق و ان حج قبله فان شاء حلق و ان شاء قصر. علاوه بر این‌که اگر سند و دلالت این روایات هم تمام بشود خب روایت علی بن ابی حمزة قید می‌زند به این‌ها. می‌گوید مراد ما از صرورة در بحث حلق و تقصیر آنی است که در مقابل من حج حجة الاسلام است. اگر بگویید ما مردد شدیم، حتی نسبت به روایت علی بن ابی حمزة که به نظر ما موثقه است مرددیم، یک آقایی بود هرجا در معالم می‌رسید حجة‌ المتوقفین، شنیدم می‌گفت و انا من المتوقفین. بعضی‌ها این طورند در هر بحثی توقف می‌کنند؛ می‌گوید ما متوقفیم مترددیم. اگر متردد بشوید آن وقت بحث علم اجمالی پیش می‌آید. ما متردد نیستیم ما استظهارمان این است:‌ طبق روایت علی بن ابی حمزة صرورة کسی است که لم‌یحج حجه الاسلام؛ و قرینه داریم در روایت علی بن ابی حمزة که این آقا آمده حج و قبلا حجة الاسلام حج بجا نیاورده یعنی امسال حجش حجة الاسلام است.

[سؤال: ... جواب: کسی که قبلا حجة الاسلام بجا نیاورده و ظاهر روایت علی بن ابی حمزة این است که امسال می‌خواهد حجة الاسلام بجا بیاورد این علیه ان یحلق انما التقصیر علی من حج حجة الاسلام. ... آن را که گفتم محتمل نیست فقهیا. بیست سفر رفت حج ولی مستطیع نبود، سفر بیست و یکم مستطیع شد حج رفت،‌ بیست و یک بار حلق بر او واجب است، آخه کدام متفقهی به این ملتزم شده که ما ملتزم بشویم؟ امر دائر است بین این‌که حج سال اول مراد باشد یا حج واجب؛ حجة الاسلام. در این دو احتمال ما استظهارمان احتمال دوم است. از روایت علی بن ابی حمزة علی الاقل اگر نگوییم استظهار کلی مان از صرورة این است.

حالا اگر شما بگویید ما مرددیم بسم الله. باید بروید درس محقق عراقی شروع کند برایت علم اجمالی درست کند و علم اجمالی را منجز کند. اگر شما امسال حج سال اولت هست و مستطیع هستی قدر مشترک است؛ هم حج اول است هم حجه الاسلام. این‌که بحث ندارد. اما اگر مستطیع نیستی علم نداری که بعدا مستطیع خواهی شد برائت جاری می‌شود از وجوب حلق بر شما سال اولی.

[سؤال: ... جواب: شما حج سال اول‌تان را رفتید اگر مستطیع هستید که هم می‌شود حجة الاسلام هم می‌شود حج سال اول که مجمع القولین است. قدر متیقن از صرورة همین است. اگر حج سال اول‌تان است ولی مستطیع نیستید، نائب شدید از شخصی، آقای خوئی می‌گوید اگر حلق بر صرورة واجب باشد شما امسال باید حلق کنی. که معمولا هم الان همین را می‌گویند. آقای سیستانی احتیاط واجب می‌کنند می‌گویند حج سال اول احتیاط واجب این است که حلق می‌کنند. امام هم که احتیاط واجب می‌کردند همین حج سال اول را می‌گفت. ولی شما فرض این است که مردد شدید؛ نه نظر این بزرگان را برای‌تان واضح شد عمل کنید نه نظری که ما عرض کردیم؛ آقای زنجانی هم فرمودند که حجة الاسلام واجب است در آن، حج. شما متحیر شدید نوبت به اصل عملی می‌رسد. اصل عملی این است: اگر علم نداری در آینده مستطیع خواهی شد شبهه بدویه است؛ اما شبهه بدویه دوران الامر بین التعیین و التخییر. به نظر مشهور باید احتیاط بکنی. به نظر صحیح برائت از تعیین جاری است. برائت از تعین حلق جاری می‌کنی. مخیر می‌شوی بین حلق و تقصیر.

مگر اشکال مرتقی را مطرح کنید که با این تقصیر که مشکوک الصحة است احراز نمی‌کنیم که از احرام خارج شدیم. استصحاب می‌گوید ما هنوز محرمیم؛ هنوز محرمات احرام بر ما حرام است. که ما این را در بحث‌های اصول سعی کردیم جواب بدهیم. و لذا برائت از تعین حلق به به نظر ما جاری می‌شود.

اما اگر شما می‌دانستید بالاخره امسال با این پول نیابت مستطیع شدی ولی باید بروی امسال حج نیابی را بجا بیاوری. سال دیگه این پول نیابت را نگه می‌داری. ان شاء الله برای خودت حج بجا بیاوری. ان شاء الله از باب تیمن و تبرک گفتم یعنی علم اجمالی داری که امسال حج نیابی؛ سال آینده یا یک سال دیگر حجة الاسلام بجا می‌آوری. علم اجمالی پیدا می‌کنی یا امسال حلق واجب است بر تو اگر صرورة یعنی حج سال اولی یا سال آینده حلق بر تو واجب است اگر صرورة یعنی حجه الاسلام. علم اجمالی منجز است. اگر الان علم اجمالی نداری می‌گویی چه می‌دانم با این وضعی که هست اصلا پول هم داشته باشیم از کجا بتوانیم حج برویم برائت امسال جاری کردی. در حج سال اولت که رفتی برائت جاری کردی گفتی حلق بر من ان شاء الله متعین نیست. حج سال اولم است ولی من مستطیع نیستم. برائت جاری کردی. گذشت با ان شاء الله حل مشکلات گفتند سفر حج شروع شد. بسم الله بفرمایید بروید حج. تا گفتند بسم الله بروید حج یک وقت یاد علم اجمالی افتادی همان زمان علم اجمالی تشکیل می‌شود که یا من در آن سفر سال گذشته‌ام بر من حلق واجب بود ولی تقصیر کردم پس الان باید از عهده آن وظیفه حلق خارج بشوم. بر خلاف وظیفه واقعیه‌ام تقصیر کردم طبق علم اجمالی. احرام طبق این علم اجمالی باقی می‌ماند. یا تا حالا علم اجمالی نداشتم ولی از این به بعد یا واجب بود بر من حلق در سال گذشته یا امسال که شرائط جور شد حجة الاسلامم هم هست واجب است بر من حلق. سریع باید بروی آرایشگاه یک تیغ مفصلی بزنی؛ بعد هم ان شاء الله در سفر حج آنجا هم در عید قربان حلق کنی طبق این علم اجمالی. این، مقتضای منجزیت علم اجمالی است.

[سؤال: ... جواب: اگر شما نمی‌دانید صرورة یعنی حج سال اول یا حجه الاسلام، فرض این است ادله لفظیه مبتلی به اشکال می‌شود، چون دلیل که می‌گفت مخیری بین حلق و تقصیر تخصیص خورد، الا الصرورة، صرورة هم نمی‌دانید حج سال اولی است یا حجه الاسلام، و لو شما علم به ابتلاء به واقعه ثانیه که حجة الاسلام نداری، اما در امارات، علم اجمالی موجب تعارض امارات است؛ لازم نیست که همه اطراف داخل در محل ابتلاء باشد. این را توضیح بدهم:

اطلاق صحیحه معاویة بن عمار به ما می‌گفت مخیرید بین حلق و تقصیر؛ چون ملبد و معقوص نیستید. مطلق است چه حج سال اول چه حجه الاسلام. یک مخصص مجملی طبق فرض گفت صرورة مخیر نیست بین حلق و تقصیر. ما مرددیم که حج سال اول صرورة است یا حجة الاسلام. علم اجمالی به تخصیص پیدا می‌کنیم نسبت به این خطاب عام. امارات به صرف علم اجمالی به کذب تساقط می‌کنند. دیگه این حرف ها نیست که بگوییم یک طرف خارج از محل ابتلاء است. می‌دانید چرا؟ چون مدلول التزامی امارات حجت است. شما خطاب صحیحه معاویة بن عمار ر ا منحل می‌کنی به دو تا ظهور؛ چون عموم است. یک ظهور می‌گوید در حج اول هم مخیری بین حلق و تقصیر طبق عموم مخیرٌ. یک ظهور می‌گوید در حجة الاسلام مخیری بین حلق و تقصیر. چون خطاب عام منحل می‌شود به تعداد افراد. ما به قرینه روایت علی بن ابی حمزة بطائنی علم اجمالی پیدا کردیم یکی از این دو ظهور کذب است. و مدلول التزامی هر کدام از این دو ظهور می‌گوید من صادقم؛ کاذب، دیگری است. تعارض‌شان می‌شود تناقض.

یک مثال عرفی بزنم. شما علم اجمالی پیدا کردید یا این خبری که می‌گوید این آب که نجس بود پاک شده یا آن خبری که می‌گوید آن آبی که در آمریکا است و نجس بود پاک شده. یکی از این دو خبر دروغ است. یا خبر زید که گفت این آب در منزل شما تطهیر شده این دروغ است یا آن خبر عمرو که می‌گفت آبی که در آمریکا است تطهیر شده او دروغ است. نمی‌شود گفت آبی که در آمریکا است به من چه ربطی دارد؛ خارج از محل ابتلاء من است. شما وقتی علم داری یکی از این دو خبر کاذب است یا آن خبر زید که می‌گوید این آبی که نجس بود در منزل شما تطهیر شد یا آن خبر عمروی که می‌گوید آب در آمریکا که نجس بود تطهیر شد یکی از این دو خبر فهمیدی کاذب است، مدلول التزامی آن خبر عمرو که می‌گوید آب در آمریکا تطهیر شد این است که آب در منزل شما تطهیر نشد. علم اجمالی همین است. چون می‌دانی اگر آب در آمریکا تطهیر شده پس آب در منزل شما تطهیر نشده. تعارض می‌کند با خبر زید که می‌گوید آب منزل شما تطهیر شده. تعارضش هم به تناقض بر می‌گردد؛ و لو یک طرف خارج از محل ابتلاء است.

[سؤال: ... جواب: ببینید! بگذارید مطلب را تکرار می‌کنم. ما در مانحن‌فیه چرا رفتیم سراغ اصل عملی؟ چرا؟ گفتیم اگر شبهه بدویه است، علم نداری بعدا مستطیع می‌شوی، دوران امر بین تعیین و تخییر است نسبت به حلق در حج سال اول. مشهور می‌گویند اشتغال و احتیاط؛ ما می‌گوییم برائت. چرا به اصل عملی رجوع کردیم؟ یکی ممکن است بگوید به اطلاق دلیل رجوع کن. بگو صحیحه معاویة بن عمار می‌گوید انت مخیر بین الحل و التقصیر. حجة الاسلام که محل ابتلاء من نیست فعلا. من تمسک می‌کنم به عموم انت مخیر بین الحق و التقصیر نسبت به این سال اول اصالة العموم در این حج سال اول من جاری می‌شود بلامعارض. چون من علم ندارم به ابتلاء‌ در آینده به حجة‌ الاسلام تا بگویم علم اجمالی دارم که یا امسال حلق بر من واجب است یا سال‌های بعد که حجة الاسلام بجا می‌آورم.

چرا ما این حرف را نزدیم؟ چرا رجوع نکردیم به اصالة العموم؟ نکته‌اش این است که در بحث اصالة‌ العموم که حجیت امارات است خروج از محل ابتلاء یا عدم خروج از محل ابتلاء هیچ تاثیری ندارد. اگر دو اماره بود علم اجمالی پیدا کردیم به کذب یکی از این دو اماره، تعارض و تساقط می‌کنند؛ و لو یک اماره از محل ابتلاء خارج بشود. اماره‌ای گفت این آب منزل شما که نجس بود پاک شده. یک اماره دیگری گفت آبی که در آمریکا نجس بود پاک شده. و من می‌دانم یکی از این دو اماره دروغ است. نگویید به من چه؟ آب در آمریکا در محل ابتلاء من نیست. نباشد؛ مدلول التزامی آن اماره در محل ابتلاء من است. اثر وقتی بر مدلول التزامی بار شد دلیل حجیت می‌گیردش. اماره‌ای که می‌گوید آن آبی که در آمریکا بود تطهیر شد ضمیمه می‌شود به علم اجمالی من که یکی از این دو تطهیر نشده قطعا. حالا که آن اماره‌ای که خبر عمرو است و می‌گوید آبی که در آمریکا است تطهیر شده لازمه‌اش این است که پس آن آبی که تطهیر نشده کدام است؟ آن آبی که در منزل ما است. با مدلول مطابقی آن اماره اول که می‌گوید آب در منزل تو تطهیر شده تعارض‌شان به تناقض است. یعنی یکی می‌گوید تطهیر شده یکی می‌گوید تطهیر نشده.

اینجا هم همین است. انت مخیر بین الحلق و التقصیر در صحیحه معاویة بن عمار منحل می‌شود به دو ظهور می‌گوید حج سال اولی مخیر است بین حلق و تقصیر یک ظهور می‌گوید حجة الاسلام مخیر است بین حلق و تقصیر. روایت علی بن ابی حمزة اثرش این بود که من علم پیدا کردم یکی از این دو ظهور خلاف واقع است. یا حج سال اولی باید حلق کند یا حجة الاسلامی؟ علم اجمالی به کذب احد الظهورین می‌شود در خطاب انت مخیر بین الحق و التقصیر؛ و لو نسبت به حجة الاسلام محل ابتلاء من نیست، اما ظهور این خطاب که می‌گوید در حجة الاسلام مخیری بین حلق و تقصیر حجة الاسلامی که در سال های بعد انجام می‌دهی حج دومت است که آقای خوئی گفته. گفته حجة الاسلام اگر حج سال دومت است مخیری بین حلق و تقصیر طبق ظهور همین روایت معاویة بن عمار. مدلول التزامی این است که پس آنی که بر تو حلق واجب است کدام است؟ حج سال اول. تعارض می‌کند با آن ظهور دیگر صحیحه معاویة بن عمار که حج سال اول را می‌گرفت می‌گفت شما حلق بر شما واجب نیست مخیری بین حلق و تقصیر.

و لذا به اماره نمی‌توانیم رجوع کنیم؛ باید به اصل عملی رجوع کنیم. اصل عملی همان بحث دوران امر بین تعیین و تخییر می‌شود که مشهور می‌گویند اصالة الاحتیاط؛ در مرتقی هم فرمودند اینجا مشکل حاد است برائتی هم بشویم اینجا به درد نمی‌خورد؛ چون استصحاب احرام بعد از این تقصیر جاری می‌شود و می‌گوید نمی‌توانی به برائت از حلق رجوع کنی و اکتفاء به تقصیر کنی.

و لکن الذی یسهل الخطب این است که ما تردید نداریم. ما استظهارمان این است که صرورة یعنی کسی که حجش در این روایت علی بن ابی حمزة کسی است که حجش حجة الاسلام است.

ان شاء الله بقیه روایات را و استظهار آقای خوئی را از آیه محلقین رئوسکم و مقصرین فردا بیان می‌کنیم و وارد مسئله بعدی می‌شویم.